ویژگی‌ِهلال ماه جمادی الثانی ۱۴۴۶

(36:23)

از عجائب این ماهی که گذشت که از نظر فنی خیلی جالب است و ذهن را جلو می‌برد، این است: این نرم‌افزارها دو روز برای سهمی در نظر می‌گیرند. چون وقتی شروع می‌شود و می‌خواهد تا آخر کل کره پوشش کند، همین شکل سهمی گاهی نسبت به‌روز و شب‌ها متفاوت می‌شود. ظاهراً در عوده هم سه روز را پوشش می‌کند. به نظرم روز سوم را هم آقای عوده داشته باشند. در نرم‌افزار آقای منظور احمد دو روز است؛ می‌گوید روز اول را می‌خواهید یا دوم؟ اگر شما در نرم‌افزار یکی را بزنید، اولین روز را می‌آورد. مثلاً اگر در این ماه جمادی الاولی، روز اول را بزنید، یک گوشه کمی بعد از آمریکا که در دریا است را نشان می‌دهد. روز دومش را که بزنید، همین شب‌ِیکی شنبه می‌آید. شب یکی شنبه‌هایی که در نیم کره شمالی حتی با تلسکوپ هم دیده نمی شده. روز سوم را ندارد. یعنی اینکه الآن ما دو شنبه را اول ماه گرفتیم، اصلاً در نرم‌افزار به‌عنوان روز استهلال حسابش نکرده. روز اول و دوم استهلال را فقط غروب جمعه برای شنبه، و غروب شنبه برای یک شنبه گرفته است. ما دوشنبه را گرفتیم ولی خب ما می‌گوییم: ببین؛ تو کل کره را پوشش دادی اما برای ما که نبود. این سهمی‌ِتو کل کره را پوشش داد، دو روز هم تمام شد، اما برای نیم کره جنوبی خوب بود برای نیم‌کره شمالی فایده‌ای نداشت. اینجا است که اگر شرائط این شکل سهمی به‌خوبی معلوم شود، ذهن ها استباعاد نمی‌کند که اشتراک افق به این معنایی که می‌گوییم شرط نباشد. چرا؟ چون الآن در این ماه برای کل کره استهلال تام و اهلال هلال صورت گرفته، به‌خاطر عرض ما هست که اینها نمی‌بینند. نه اینکه هلال تشکیل نشده باشد. یک هلال خوب، همین لحظه غروب ما به‌طور واضح دیده می‌شود. حالا اگر شما به عرف عرضه کنید، عرف می‌گوید ماه هنوز شروع نشده؟! می‌گویید چون ما در نیم کره شمالی هستیم نه. به عبارت دیگر شکل سهمی، ذهن ناظر خودش را به افقی برتر از بالا می‌برد. دارد روی کره و هلال و استهلال و اهلال فکر می‌کند. نه اینکه در کجا الآن هلال داریم یا نداریم.

شاگرد: این فرمایش شما از فرمایش حاج آقا فاصله می‌گیرد.

استاد: بله. ایشان اشتراک افق را شرط می‌دانستند با همان توضیحی که عرض کردم. این عرض من است.

شاگرد۲: این حرف را می‌توانند برای شب شنبه هم زد، ولو گوشه ای دیده شود چون بالأخره استهلال اتفاق افتاده است.

استاد: بله، اهلال اتفاق افتاده است.

شاگرد۲: شب‌ِشنبه که نبوده

شاگرد: شب شنبه گوشه بوده.

استاد: در وقت غروب ما در شب شنبه، حتی با تلسکوپ هم در این زمان هیچ جا نمی‌توانستند ببینند. شب شنبه با فاصله شاید سیزده ساعت-شانزده ساعت هلال شکل گرفته. چون غرب آمریکا با ما دوازده ساعت فاصله دارد. نیوویورک هشت ساعت است، کالیفرنیا دوازده ساعت است. ظاهراً آن جا هم نبوده. باز چند ساعت بعد است. ولذا در آن وقت هم برای ما قابل رویت نبوده.

یکی از آقایان در جلسه قبل فرمودند که بخشی از این شکل ماند. من هر چه فکر کردم که چه گفتید یادم نیامد. اگر تشریف دارید و یادتان هست، در خدمتتان هستم. علی ای حال ختم فرمایش ایشان یک کلمه است: «و کیف کان این محدوده نمی‌تواند...» اینطور نیست. اگر این استقراء درست باشد و ما با استقراء مواردی را نشان بدهیم که حتماً تلسکوپ برای پیدا کردنش کار انجام می‌دهد، بعد از اینکه انجام داد، رأه الف، روی مبنای آنها باید بپذیرند. و حال آنکه روی مبنای خود آنها بدون ابزار نقطه مشخص و خط هلال، قابل رویت نبوده و نمی دیدند. در طول تاریخ هم ندیده اند، حتی حدی البصرها. بنابراین هم مبناء را می‌تواند نقض کند و هم دلیل این مبناء را.

شاگرد: طبق معیاری که شما فرمودید و نصف النهار مبداء بالأخره برای زمین چه زمانی هلال تشکیل می‌شود. در روایت داشت «اذا اهلّ‌الهلال شهر رمضان غلت مردة الشیاطین»، یعنی مطلع ماه نصف النهار مبداء حساب می‌شود؟ شبیه خورشید که بالا می آید اگر ماه هم از مقارنه خارج شده باشه و برای مکه طلوع کند، شما می‌گویید در این حال برای کره هلال داریم؟ چون شما همه ادله را اثباتی می‌گرفتید. می‌فرمودید تکوینا راه‌هایی برای برچسب زنی داریم.

استاد: الآن هم که شما گفتید نکته ی دیگر برای تفاوت برچسب زنی به ذهنم آمد. برچسب زنی روی مبنای اینکه ماه نوعی است یا شخصی؟ نکته ی خوبی است که می‌خواستم عرض کنم. یادداشت بکنید برای شنبه انشاءالله

شاگرد: میکروسکوب را هم ظاهرا کافی می دانستند درسته؟

استاد: بله البته میکروسکوب را آن وقتی که متعارف را بحث می کردیم – در سال اول- جلسات متعددی راجع به خود و چیزهایی که با میکروسکوب دیده میشه و ترتب حکمشان را تا اندازه ای که ممکن بود بحث کردیم ولی اینکه روی مبنای حاج آقا میکروسکوب را کافی می دانستند من همان را حدس می زنم که در سایت حاج آقای سیستانی هم تصریح شده بود که حتی اگر زیر میکروسکوب ببینیم که زیر میکروسکوب صدق ِخون بکند نجس است ایشان این را گفتند که خیلی ها حاضر نیستند این را بگویند بنظرم حاج آقا هم همین برایشان بود یعنی صدق بکند ولو ببینند چون خود ِموضوع است که حکم بر آن مترتب می شود نه موضوع ِمرئی نه موضوع ِحجمی، اگر فرض بگیریم که صدق کرد ایشان می گفتند که حکم برایش مترتب می شود علی المبنا

شاگرد: در مورد فلس [در ماهی] هم همینطور است؟

استاد: بله فلس هم همینه می گفتند کافیه، اگر فلس را ببینیم با ذره بین و اینها من اینطور یادم است اگر عرفاً صدق ِفلس بکند، گاهی اصلاً عرف اگر ببیند می گوید این فلس نیست.

والحمد لله رب العالمین

بازبینی #1
ایجاد شده 29 ژانویه 2026 14:25:45 توسط ... .
به روزرسانی شده 29 ژانویه 2026 14:26:50 توسط ... .